



چاپ دوم  
سال دهم - شماره ۲۸۵۰  
دوشنبه ۲۲ تیر ماه ۱۳۸۲  
۲۳ جمادی الاول ۱۴۲۵  
۲۴ صفحه - ۶۰۰ ریال  
همراه ۳۶ صفحه  
ایران پیام ویژه استان تهران  
IRAN - NO. 2850, Jul.12. 2004  
ISSN 1027 - 1449  
Keytitle: IRAN( Tehran)

گروه فرهنگ و هنر - سایرمحمدی: «تضادهای درونی»، «عصبیت و رشد آدمی» و «شخصیت عصبی زمانه ما» به قلم کارن هورنای با ترجمه محمدجعفر مصفا چاپ و منتشر شده اند و آثاری چون «حضور در هستی» و «شادکامی خلاق» و «فراسوی خشونت»، «شعله حضور» از کریشنامورتی را نیز به فارسی برگردانده اند. مصفا متولد 1312 خمین فارغ التحصیل حقوق قضایی است و علاوه بر ترجمه، کتاب های «انسان گمشده و شناخت» و «تفکر زائد» و «انسان در اسارت فکر» و «با پیربلخ» و... را نیز تألیف کرده است.

**ایران:** آقای مصفا، اشعار مولانا تاکنون از منظرهای مختلف تفسیر و معنا شده اند، شما شاید اولین کسی باشید که اشعار مولانا را از منظر روانشناسی در کتاب «با پیربلخ» تحلیل کرده اید.

**مصفا:** من به این سؤال شما نمی توانم جواب درستی بدهم، برای این که می باید تمام کتاب هایی را که درباره مولانا نوشته اند، خوانده باشم بعد به این پرسش، پاسخ بدهم. من هیچ کتابی درباره مولانا نخوانده ام.

**ایران:** می توانید دلیلش را بفرمایید؟

**مصفا:** شما اگر «با پیربلخ» را خوانده باشید به این مسأله جواب داده ام. من معتقدم، مطالعه در این امور - نه در امور علمی - انسان را به صورت یک موجود دست دوم درمی

آورد. مولوی در جایی اشاره زیبایی دارد. آنجا که می گوید: «آسمان شو، ابرشو، باران ببار» تا می رسد به «آب اندر ناودان عاریت است/ آب باران باغ صدرنگ آورد/ ناودان همسایه درجنگ آورد». این شعر، اشاره به علم های عاریت است. دانش های دست دوم است. دانش دست دوم حکم بارشی را دارد که از آسمان و از باران نیست بلکه از ناودان است. به اعتقاد من این دانش ها اسباب نخوت و غرور است و حال آن که دانش ها و ادراکاتی که منشأ درونی دارند، زیبایی خاص و بکری دارد. اگر خودم بتوانم پدیده ای را اصالتاً در هستی کشف کنم، برایم ارزش ویژه ای دارد.

**ایران:** همهء ما از طریق مطالعه و آموزش، کسب علم و سواد و شعور کرده ایم. در مقدمه چاپ جدید کتاب شما، «شخصیت عصبی زمانه ما» آمده است...

**مصفا:** اسم این کتاب های مرا نیاوردید، برای این که این کتاب ها را حدود چهل سال پیش ترجمه کرده ام و الآن هم این آثار را مبنای نگرش و خودشناسی خودم قرار نمی دهم.

**ایران:** من حرف دیگری دارم. در این مقدمه آمده، شما بعد از ترجمه آثار کارن هورنای و مطالعه آثار این روانکاو، به یک شناخت نسبی و به یک تفکر خاص رسیده اید که بعدها کتاب هایی چون «انسان گمشده و شناخت» یا «تفکر زائد» رانوشته اید. چگونه مطالعه آثار دیگران را نفی می کنید؟

**مصفا:** مطالعه آثار دیگران را هم نفی می کنم و هم نفی نمی کنم. اگر مطالعه به این صورت باشد که بخوانیم و بار دانش های خودمان را اضافه کنیم، مخرب است. ولی اگر این آثار را به خاطر افزودن بر حجم اطلاعات خود نخوانیم وضع فرق می کند. من همراه با مطالعه هر اثری روی آن تأمل می کنم. بیشتر به خاطر خلاقیت ذهنی مطالعه می کنم.

[www.mossaffa.com](http://www.mossaffa.com)